



ISSN:2588-7033



Environmental Damages of Wars in the Safavid Era

Farhad Sabouri Far^a, Mohammad Hassan Beigi^{b*}, Majid Vismeh^c

^a Assistant Professor, Department of History, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran

^b Assistant Professor, Department of History, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran

^c MA, Arak University, and Teacher in the Ministry of Education

KEY WORDS

war, environmental damages, Safavids, human and financial losses

Received: 13 June 2023;
Accepted: 07 October 2023

Article type: Research Paper
DOR: 20.1001.1.25887033.1402.7.1.3.2

ABSTRACT

The Safavid era is one of the challenging periods in the Iranian history during when foreign disputes significantly influenced Iran's environment. During this period, extensive wars against the Ottomans and Uzbeks occurred in the western and eastern regions of the country. These wars, in addition to causing human and financial losses, had considerable destructive effects. The present article examines the environmental damages resulting from the wars of this period. The results of the study showed that the extensive attacks of the Ottomans or the Uzbeks on Iranian lands, as well as some defensive policies of the Safavids against these attacks, led to the destruction of water resources and serious damages to food resources, which caused famine and various diseases in the society. Given the extent of the wars and the large number of battles, the famines and disease outbreaks were inevitable. Therefore, it is clear that the wars of the Safavid era had extensive and profound effects on Iran's environmental space.

* Corresponding author.

E-mail address: mohaamad.beigi@gmail.com

2023 Published by Arak University Press. All rights reserved..





جنگ و آسیب‌های زیست محیطی آن در دوره صفویه

فرهاد صبوری فر^{الف}، محمدحسن بیگی^{ب*}، مجید ویسمه^ج

^{الف} استادیار، گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، f.saboorigar@gmail.com

^ب استادیار، گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، mohaamad.beigi@gmail.com

^ج دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه اراک و دبیر آموزش و پرورش اداره کل آموزش و پرورش استان مرکزی، majidvismeh@gmail.com

چکیده	واژگان کلیدی
دوران صفویه یکی از دوره‌های پر چالش تاریخ ایران است که طی آن منازعات خارجی بخش عمده‌ای از فضای ایران را تحت تأثیر قرار داد. در این دوران، جنگ‌های گسترده‌ای در مناطق غربی و شرقی کشور با عثمانی‌ها و ازبکان رخ داد. این جنگ‌ها علاوه بر وارد آوردن خسارات جانی و مالی، تأثیرات تخریبی قابل توجهی را نیز به همراه داشت. مقاله حاضر آسیب‌های زیست محیطی ناشی از جنگ‌های این دوران را بررسی می‌کند. سوال پژوهش این است که جنگ‌های دوران صفویه چه تأثیرات زیست محیطی را در پی داشتند. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که حملات گسترده عثمانی‌ها یا ازبکان به سرزمین ایران و همچنین برخی از سیاست‌های دفاعی صفویان در برابر این حملات، منجر به تخریب منابع آب و آسیب‌های جدی به منابع تغذیه شد؛ و این امر باعث بروز قحطی و بروز بیماری‌های مختلف در جامعه شد. با توجه به گستردگی جنگ‌ها و تعداد زیاد نبردها، این قحطی‌ها و بروز بیماری‌ها اجتناب‌ناپذیر بود. بنابراین، مشخص است که جنگ‌های دوران صفویه تأثیرات گسترده و عمیقی روی فضای زیست محیطی ایران داشته است.	جنگ، آسیب‌های زیست محیطی، صفویه، خسارات جانی و مالی
	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۳
	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵
	مقاله علمی پژوهشی

مقدمه

حکومت صفویان در سال ۹۰۷ ه.ق. در ایران تشکیل شد و تا سال ۱۱۳۵ به حیات سیاسی خود ادامه داد. در گستره‌ی تاریخ ایران، دوران حکومت این سلسله نسبتاً طولانی و حایز ویژگی‌های دینی و اجتماعی خاصی بود که احتمالاً همین مختصات سبب ایجاد دگرگونی‌هایی در روند سیاسی- اجتماعی تاریخ ایران شد. بدون تردید در روند تثبیت و تداوم قدرت صفویان، فعالیت‌های نظامی گسترده جایگاه خاصی را به خود اختصاص داد. به دلیل شرایط جغرافیایی ایران و طمع برخی گروه‌های ایلپاتی شمال شرق کشور برای تسلط بر منابع و بخش‌های آباد ایران، لاجرم جنگ‌های طولانی مدت و خونینی از مرزهای شرق و شمال شرق بر بخش‌های وسیعی از کشور تحمیل شد. از طرف دیگر، در مرزهای غربی، عثمانی‌ها که دیر زمانی بود داعیه‌دار امپراتوری اسلامی شده بودند، برای ضمیمه کردن جغرافیای ایران به امپراتوری خود بخش قابل توجهی از توان نظامی خود را بر مرزهای ایران عصر صفویه متمرکز کردند. در کنار حضور نسبتاً دائمی و هجوم‌های فراگیر این دشمنان به مناطق شرقی و غربی کشور، بایستی به درگیری‌های پراکنده دیگری اشاره نمود که در برخی مناطق شمال غرب و یا جنوب کشور در این دوران به وقوع می‌پیوست. همچنین در بررسی فضای عمومی داخلی عصر صفویه نمی‌توان پوشیده داشت که در مقاطع مختلف، درگیری‌های سهمگین داخلی بر سر قدرت و یا حتی بروز

جدال با عناصر مخالف داخلی نیز بخشی از ماهیت حکومت صفویان را شکل می‌بخشید. با این توصیف می‌توان به این باور رسید که بیش از دو سوم دوران نسبتاً طولانی حکومت صفویان به جنگ‌های مرزی و داخلی گذشته است. ظاهراً صفویان به منظور بقا و حراست از داشته‌های جغرافیایی خود گریزی از این تنش‌ها نداشته‌اند؛ و به عنوان یک الگوی ثابت، این روند در دستور قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای قرار داشت که یا برای بقا می‌کوشیدند یا برای وسعت بخشیدن به قلمرو خود در تکاپو بودند. اما در این میان آنچه در ورای تعداد، چگونگی و دامنه‌ی جغرافیایی این جنگ‌ها مورد نظر این نوشتار قرار دارد، دریافت آسیب‌های زیستی و تأمل در میزان تخریبی است که بروز این منازعات پیوسته بر جغرافیای ایران تحمیل کرد.

الف- نگرشی بر جغرافیای جنگ‌ها

جنگ‌های دوره صفویه را در یک قالب‌بندی کلی می‌توان به دو بخش خارجی و داخلی طبقه‌بندی کرد که جنگ‌های خارجی، خود از یک منظر قابلیت تقسیم‌بندی خاصی را دارد. بخشی از این جنگ‌ها به صورت برخوردهای فراگیر با تکیه بر تمام توان نظامی طرفین بود که با حجم عظیمی از نیروهای نظامی و عوامل کمک‌رسان و پشتیبان در عرصه‌ی جنگ حاضر می‌شدند. نوع دیگری از برخوردها نیز به چشم می‌خورد که از شکل لشکرکشی انبوه خارج می‌شدند و خود را به صورت جنگهای نامنظم نشان می‌دادند. در عرصه‌ی برخوردهای داخلی نیز می‌توان تنوعی را در درگیری‌ها مشاهده کرد. برخی از این برخوردها درگیری‌های درون سلطنتی بودند که بعضاً دامنه‌ی آن وسعت بیشتری را فرا می‌گرفت و به لشکرکشی‌های انبوه منجر می‌شد؛ اما گونه‌ی دیگری از برخوردها نیز به چشم می‌خورد که اقدامات و یا عکس‌العمل حاکمین صفوی در مقابل مخالفان محسوب می‌شد. این گونه برخوردها بعضاً از لحاظ جمعیتی و همچنین وسعت درگیری‌ها بیشتر و فراتر از برخوردهای درون سلطنتی بود. اما در بررسی گستره جغرافیایی جنگ‌های دوره صفویه، می‌توان مبتنی بر شرایط هر یک از درگیری‌ها موقعیت جغرافیایی خاصی را لحاظ کرد. در برخوردهای خارجی در مرزهای شرقی، حوزه درگیری‌ها به تناوب تمامی نقاط شمال غرب، غرب و بعضاً جنوب غربی را تحت تأثیر قرار می‌داد. از لحاظ عمق درگیری‌ها نیز بایستی اذعان داشت که عرصه مستقیم جنگ‌ها تا حدود مناطق مرکزی ایران نیز کشیده می‌شد و در مواقعی عثمانی‌ها علاوه بر اشغال آذربایجان، کردستان و کرمانشاه، خود را به بروجرد و ملایر نیز می‌رسانند. در محدوده‌ی شرقی ایران نیز ازبکان در مواردی مناطق وسیعی را تحت تهاجم خود قرار می‌دادند و پس از عبور از جیحون، شهرهای هرات، مشهد، سبزوار و دامغان را اشغال می‌کردند؛ و حتی در حوزه‌های جنوبی‌تر، در مواقعی دامنه‌ی نفوذ آنها به یزد و کرمان نیز می‌رسید. بنابراین، در عرصه درگیری‌های داخلی نمی‌توان نقطه خاصی را مستثنی کرد. بررسی میدانی این جنگ‌ها نشان می‌دهد که به تناسب، بخش‌های وسیعی از کشور در موقعیت‌های مختلف مراحل از جنگ را تجربه کرده و پیامدهای آن را نیز متحمل شده‌اند.

بررسی آسیب‌های ناشی از تهاجمات و درگیری‌ها

۱. نقش جنگ‌ها در انهدام زیرساخت‌های تولیدی

بدون تردید منابع تولیدی محیطی بخش اساسی فضای زیستی انسانی را شکل می‌بخشید. این منابع ضمن تأمین شرایط لازم برای تداوم زیست انسانی نقش به‌سزایی در تعادل زیست محیطی زمان خود ایفا می‌کردند و زمین و آب در این میان حایز بیشترین اهمیت بودند. فراهم شدن شرایط مناسب برای زیست انسانی و جانوری به شدت تحت تأثیر این دو عنصر حیاتی بود. با توجه به این که در دوره‌ی صفویه اقتصاد کشاورزی در جایگاه اول اهمیت و سپس تجارت در جایگاه بعدی قرار داشت، نقش زمین و آب در ساختار

جامعه‌ی صفوی بیشتر خود را نشان می‌دهد. این مسأله زمانی بیشتر حایز توجه و اهمیت است که درمی‌یابیم مرغوب‌ترین زمین‌های زراعی ایران در مناطق غربی قرار داشتند؛ و بخش عمده‌ای از تولیدات انواع محصولات کشاورزی از این مناطق تأمین می‌شد. از سوی دیگر، تولید این محصولات نیازمند یک سیستم آبیاری منظم و شبکه‌های آبیاری و قنات‌های متعددی بود که می‌توانستند در مسیرهای طولانی آب را از مجرای اصلی تا زمین‌های زیر کشت انتقال دهند. آنچه که از گزارش‌های منابع در خلال توصیف و تشریح جنگ‌ها بر می‌آید حاکی از این است که بسیاری از زمین‌های کشاورزی، کانال‌ها و قنات‌های آبیاری به سبب تردد سپاهیان مهاجم یا بعضاً نیروهای خودی پایمال و تخریب شدند، یا با اقدامات عمدی دو طرف از انتفاع و بهره‌دهی ساقط گردیدند (روملو، ۱۳۸۴: ۳/۱۳۱۵؛ شاردن، ۱۳۷۲: ۳/۱۲۰۰). تکرار این تخریب‌ها به گونه‌ای بود که در موارد متعدد بازسازی کانال‌های آب، قنات‌ها و یا زه‌کشی و آماده‌سازی زمین‌های زیر کشت به چندین سال وقت و سرمایه زیاد نیاز داشت. البته این بازسازی‌ها نیز چندان امیدوارانه انجام نمی‌گرفت چون سایه‌ی جنگ همچنان بر سر این مناطق سنگینی می‌کرد و امیدواری زیادی برای ساکنان باقی نمی‌ماند که آنچه می‌سازند تا چند ماه یا چند سال آینده دچار شرایط قبلی نشود (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۳/۵۸۰). بر اساس گزارش شاردن، شاه عباس تمام مسیر عثمانی‌ها از ارزروم تا تبریز را به بیابانی خشک و سوزان تبدیل کرد، تمام درختان را سوزاند و آب چشمه‌ها را زهرآلود کرد (۱۳۷۲: ۲/۴۶۹).

۲. معدوم‌سازی منابع تغذیه

یکی از تأثیرات مستقیم جنگ نابود کردن منابع تغذیه انسانی و حیوانی بود. زمانی آثار مخرب این شیوه - که بخشی از آن جزء پیامدهای ناخواسته جنگ محسوب می‌شد-، بیشتر قابل لمس بود که اذعان نماییم نابودی منابع تغذیه به یک سیاست عمدی در نزد دو طرف منازعه تبدیل شده بود. این تاکتیک جنگی در دوره صفویه به شکل مشهود و آشکاری از آغاز جنگ‌های ایران و عثمانی تا پایان حکومت شاه عباس - به صورت متمادی - در تقابل با عثمانی‌ها و به بدترین نوع آن اعمال می‌شد (شاردن، ۱۳۷۲: ۳/۱۲۰۰). «طی سال‌های باقیمانده قرن شانزدهم و بیشتر سال‌های قرن هفدهم هر گاه که عثمانی‌ها به آذربایجان وارد می‌شدند صفویان همه امکاناتی را که ممکن بود مورد استفاده دشمن قرار گیرد قبلاً تخریب می‌کردند و با امید به هوای نامساعد منطقه و همچنین کمبود تدارکات، دشمن را مجبور می‌کردند که فتوحات خود را پس دهد» (شاه، ۱۳۷۰: ۱/۱۵۲). در یکی دیگر از منابع به این نکته اشاره شده است که در یکی از تهاجمات سلطان سلیمان به ایران، شاه تهماسب پیش‌دستی کرده و بخشی از مسیر سلطان عثمانی را تخریب کرد. بدین ترتیب که برخی مناطق داخلی ایران شامل نخجوان و قراباغ منهدم شدند و به دستور او قزلباش‌ها ولایت آباد قراباغ را که از نواحی مهم تأمین خواروبار و علوفه بود از هرگونه آذوقه تهی کردند؛ آنان هر چه را نتوانستند با خود بردند و هر چه را نتوانستند با خود حمل کنند آتش زدند. در نخجوان نیز همین معامله را معمول داشتند و بالجمله، ایرانیان در یک دایره‌ای که از هر طرف پنج روز راه مسافت داشت از آبادانی‌های باقی‌نگذاشتند (پورگشتال، ۱۳۸۷: ۲/۱۲۱۸). قطعاً بخش قابل توجهی از محصولات زراعی در حین حرکت این سپاهیان که در تعداد انبوه نیز بودند، لگدمال شده و از دایره بهره برداری خارج می‌شد؛ و این نکته‌ای بود که هم در مناطق شرقی و هم در غرب به عنوان یک وجه مشترک جنگ‌ها قابل رؤیت بود (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۳/۵۵۲). اما تخریب و معدوم‌سازی عامدانه‌ی محصولات زراعی ظاهراً بیش از صدمات عادی جنگ‌ها بر تولیدات کشاورزی تأثیرگذار شد و به نابودی محصولات انجامید؛ و اثرات مستقیم آن بر زندگی ساکنان شهری و روستایی خودنمایی می‌کرد. در بررسی جنگ‌های دوره صفویه در مرزهای غربی، می‌توان اذعان نمود که بخشی از نابودی منابع تولید حاصل تردد سپاهیان عثمانی بود. جمعیت انبوه لشکریان - در عین اینکه به خودی خود

به تخریب مزارع و منابع تأمین مواد غذایی منجر می‌شد-، با برنامه‌های خصمانه‌شان در معدوم ساختن و به آتش کشیدن باقیمانده‌ی مزارع و باغستان‌ها آسیب‌های جبران ناپذیری را برای ساکنان در پی داشتند. این اعمال به صورت مکرر در خوی، سلماس، تبریز، ایروان و نخجوان در منابع آمده است (دالساندری، ۱۳۸۱: ۴۶۲). در تهاجم سوم سلیمان به ایران که به سال ۹۵۵ ه. ق صورت گرفت، شاه تهماسب از طریق جاسوسان خود از مسیر دشمن اطلاع یافت و به همین سبب این بار سیاست ویران کردن و کوچاندن را در منطقه‌ی گسترده‌تری انجام داد. به دستور او کلیه شهرها و روستاهای بین تبریز و سرحد عثمانی ویران شد، غله‌ها و علوفه‌ها به آتش کشیده شد و ساکنان آن ناحیه‌ها نیز به مناطق دیگر کوچ داده شدند. ماموران شاه در اجرای دستورشان چنان دقت به کار بردند که در مسیر حرکت سپاه عثمانی از غله و گیاه اثری نماند. قنات و کاریزها را مردمان تبریز مسدود ساختند چنانکه آن مقدار آب که جهت آشامیدن ایشان کفایت تواند بود، میسر نشد. مساحت عظیم ویران شده به درازای ۸۰۰ کیلومتر و به پهنای ۲۰۰-۲۵۰ کیلومتر بود (پارسادوست، ۱۳۸۱: ۱۸۱). مواردی نیز به چشم می‌خورد که عثمانی‌ها به صورت مستقیم یا به تلافی صدماتی که صفویان به مناطق سرحدی آن‌ها وارد می‌کردند، آنها نیز به بخش‌های وسیعی از روستاها و شهرهای درون قلمرو ایران یورش می‌بردند و مزارع را نابود می‌کردند. در بررسی و مطالعه جنگ‌های این دوره به نظر می‌رسد سیاست معدوم‌سازی مواد غذایی بیش از آنکه توسط عثمانی‌ها صورت بگیرد، به عنوان یک راهکار دفاعی مورد توجه صفویان بوده است. شاردن درباره این راهکار دفاعی صفویان می‌نویسد: «... اگر ایرانیان در معرض هجوم سپاهیان دشمن قرار گیرند و تاب و توان پایداری در خود نیابند، شیوه مبارزه آنان این است که همه آبادی‌هایی را که بر سر راه مهاجمان قرار دارد تخلیه و مردم را وادار می‌کنند که کلیه اثاثیه و خواروبار خود را زیر خاک پنهان کنند. آن‌گاه آبادی‌ها را چنان ویران می‌کنند که وقتی دشمن به آنجا می‌رسد حتی یک پر کاه نمی‌بیند... ویران کردن آبادی‌ها به تندی هر چه بیشتر انجام می‌پذیرد. آنان برای اینکه دشمن در تنگنا قرار بگیرد همه چیز را می‌سوزانند، درختان را از ریشه بیرون می‌آورند، مسیر رودخانه‌ها و جوی‌ها را تغییر می‌دهند؛ و پس از اینکه سپاهیان این عملیات را در مدتی کمتر از هشت روز انجام دادند، به دسته‌های کوچک تقسیم می‌شوند و در مکان‌های مناسب چادر می‌زنند تا شبانگهان از هر سو به دشمن شیبخون بزنند؛ و اگر خصم با وجود همه موانع و مشکلات به پیشروی خود ادامه داد، دسته‌های سپاهی به درون کشور عقب‌نشینی و شهرها و دیه‌ها را تخلیه و ویران می‌کنند» (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۲۰۰/۳). هر چند این شیوه راهکاری مهم و تأثیرگذار در بیرون راندن عثمانی‌ها بود، به عنوان یکی از پیامدهای مستقیم جنگ بایستی نتایج وخامت‌بار آن را در زندگی روزمره ساکنان شهرها و روستاها جستجو کرد. تلخی این شرایط زمانی بیشتر احساس می‌شود که طول مدت اعمال این سیاست بازدارنده را مورد توجه قرار دهیم. تقریباً بیش از نیمی از دوره حکومت صفویان یک پای ثابت برنامه‌های نظامی آنها اعمال این سیاست در خشن‌ترین شکل آن بوده است. شاید بتوان گفت اجرای این روش اولین مرتبه با اقدامات محمدخان استاجلو در عقب‌نشینی از دیار بکر در مقابل سپاهیان سلطان سلیم شکل اجرایی به خود گرفت: «سلطان سلیم در سیواس همه لشکر را سان دیدند صد و چهل هزار مرد و شصت هزار شتر و پنج هزار نفر اردو بازاری و ذخیره چچی به قلم آمد... عساکر سلطان از همین مکان گرفتار تنگی و کمیابی آذوقه شده بودند؛ زیرا یکی از امرای استاجلو همه جاهایی را که لشکر ترک می‌بایست عبور نماید آتش زده بود و این ولایات کلاً حالت صحرا پیدا کرده بودند» (پورگشتال، ۱۳۸۷: ۸۳۶/۲)؛ اوزن چارشلی، ۱۳۷۰: ۲/۲۹۹). در پی این اقدام محمدخان، در زمان شاه تهماسب کارآمدی این شیوه باعث شد تا در ابعاد وسیع و با عمق بیشتری اجرایی شود. در مرحله‌ی اول تهاجمات سلیمان آمده است مناطقی که مسیر عبور عثمانی‌ها از تبریز به سوی زنجان بود، تخریب شد و «غلات و مزروعات را بعضی سوخته بعضی را به چارپایان خوراندند» (الحسینی، ۱۳۷۹: ۱۲۷). در جای دیگر

و با اشاره به عقب‌نشینی در مقابل سپاه عثمانی می‌نویسد: «حضرت شاه خلافت پناه چون دید که خصم قهار بر سر کینه و آزار است و به سرعت تمام می‌آید از سلطانیه کوچ فرموده به طرف درجزین روان شد و غلات آن ولایت را نیز تمام بسوخت و اردو و آغروق را به جانب اصفهان فرستاد» (همان، ۱۳۷۹: ۱۳۰). در مراحل بعدی این یورش‌ها، دستور تخریب و آتش زدن مزارع با جدیت بیشتری پی گرفته شد؛ و از جمله در سومین تهاجم دستور داد از سرحد روم تا تبریز همه چیز را بسوزانند (منشی، ۱۳۷۷: ۱۱۶). دالسانداری سیاح ونیزی تأکید می‌کند تا مسافت شش روز راه در هر دو سوی مرز همه چیز را ویران کردند (۱۳۸۱: ۴۷۸). هر چند شاه تهماسب به لحاظ شرایط نامساعد نظامی چنین شیوه‌ای را در پیش گرفت، شاه عباس به رغم تمامی توانمندی‌های نظامی که داشت، همچنان به عنوان یک الگو در برابر حملات سرداران عثمانی -ضمن عقب‌نشینی-، سیاست معدوم نمودن منابع غذایی را پی گرفت. او این تاکتیک را بارها در مسیرهای بین ایروان تا ارزروم و تبریز و اردبیل اجرایی کرد (منشی، ۱۳۷۷: ۱۰۸۶/۲). ملا جلال منجم اشاره می‌کند که الله وردی خان سردار سپاه شاه عباس در تعقیب سپاه عثمانی «...به غارت و تاخت محال ارجیس و عادلجواز و پاسین رفته و مزروعات آن حدود به خورائیدن و سوختن ضایع ساختند» (منجم، ۱۳۶۶: ۲۸۳). همچنین در هنگام محاصره‌ی قلعه ایروان توسط شاه عباس که به منظور رهایی آن از دست عثمانی‌ها صورت گرفت، اشاره می‌کند که اکثر درختان و باغستان‌ها ضایع شده بود؛ زیرا برخی برای ساختن سیبه به کار رفته و اکثر آنها را سوزاندند (همان، ۲۶۵).

۳. تامین آذوقه سپاهیان و پیامدهای محیطی آن

همانند سایر پیامدهای جنگ، عملکرد نظامیان و تردد سپاهیان در مناطقی که در معرض جنگ‌ها قرار داشتند شکل دو سویه داشت؛ و از هر دو جهت صدمات آن متوجه ساکنان می‌شد. تحمیل گروه‌های جمعیتی انبوه که مجموعه‌ی سپاهیان را تشکیل می‌داد، در حقیقت نوعی برداشت خارج از ظرفیت از موجودی ذخایر و داشته‌های مادی و تولیدات کشاورزی منطقه تلقی می‌شد. بعضاً مواد و ارزاق تولیدی منطقه تکافوی رفع نیازهای ساکنان را نمی‌داد؛ و با این حال می‌بایست نیازهای جمعیت و عناصر وارد شده را نیز تاب آورد. بنابراین، در بیشتر مواقع مناطق درگیر در منازعات نمی‌توانستند این شرایط را تحمل کنند و عملاً گرفتار مصایب و مشکلاتی نظیر قحطی، بیماری و مهاجرت می‌شدند. در کنار تهاجمات مکرر و متمادی غیر فراگیر عناصر مهاجم که موضوعی روزمره در مرزهای غربی تلقی می‌شد و خود در کاهش و تلف شدن ذخایر غذایی این مناطق موثر بود، بایستی خطر اصلی را در لشکرکشی‌های فراگیر با انبوه سپاهیان و خدم و حشم آنها جستجو کرد. در مطالعه این اردوکشی‌های گسترده می‌توان تا حدودی به آمار و ارقام ارایه شده از سوی منابع آن دوره با اندکی اغماض اعتماد کرد و پیامدهای زیان‌بار رفت و آمد آنها را در این مناطق درک کرد. این ارقام در منابع متفاوت از یکصد هزار تا هفتصد هزار ذکر شده است. در مرزهای غربی، به‌ویژه زمانی که سلاطین عثمانی و یا صدر اعظم‌ها فرماندهی و هدایت نظامیان را بر عهده داشتند، تعداد لشکریان کمتر از یکصد و پنجاه هزار نفر نبوده است. از آن جمله تعداد سپاهیان سلطان سلیم در جنگ چالدران حدود یکصد و پنجاه هزار مرد و شصت هزار شتر ذکر شده است (پورگشتال، ۱۳۸۷: ۸۳۶/۲)؛ و در حملات دوره شاه عباس نیز ارقام سپاهیان تا حدود سیصد هزار نفر آمده است (دلواله، ۱۳۸۰: ۷۹۴/۲). شاید آخرین عدد ذکر شده که البته خالی از اغراق به نظر نمی‌رسد، مربوط به دوره شاه صفی است که تبریز مورد هجوم و اشغال عثمانی‌ها قرار گرفت و این رقم در منابع هفتصد هزار نفر آمده است (صالحی، ۱۳۸۸: ۹۸).

آنچه که در ورای این اعداد و ارقام قابل توجه و تأمل است، تأمین مصارف و نیازمندی‌های این گروه‌های انبوه بود. با اینکه در مواردی تأکید شده است که بخش عمده‌ای از مواد غذایی توسط عثمانی‌ها تدارک دیده می‌شد، فاصله طولانی خطوط تدارکاتی با

مناطق مورد هجوم عملاً دشواری‌های زیادی را برای نظامیان در حمل نیازهای خود ایجاد می‌کرد؛ و به همین جهت، تقریباً در همه موارد دچار کمبود آذوقه برای خود و چارپایان بودند: «در مرحله سوم که سلطان سلیمان عازم تبریز شد شاه لاجرم فراخوان نیرو داد و از نقاط مختلف عازم آذربایجان شدند. پس از گرد آمدن این عده به موجب فرمان ابراهیم خان با سه هزار سوار دلیر پر تهور به رسم قراولی به جانب تبریز روان شد و بعد از وصول به نواحی تبریز به اطراف و اکناف اردوی رومیان می‌تاخت و دستبردهای مردانه می‌نمود» (الحسینی، ۱۳۷۹: ۱۷۱). چنانکه رومیان برای تأمین آب و علف بیرون می‌آمدند تلف می‌شدند. علیرغم اینکه چهار روز در تبریز بودند اما فرصت نکردند حتی یک روز به مساجد بروند (همان). پیامد این نقصان و کمبود، تلاش لجام گسیخته‌ی سپاهان در رفع کردن نیازهای خود از موجودی مناطق مورد تهاجم بود (عالم آرای شاه تهماسب، ۱۳۷۰: ۹۷؛ منجم، ۱۳۶۶: ۲۷۱). گو این که تدابیر صفویان در امحاء مواد غذایی نیز به عنوان یک عامل بازدارنده به کار گرفته می‌شد، به هر صورت باقیمانده‌ی ذخایر منطقه و بعضاً آذوقه‌ای که توسط مردم و ساکنان شهرها و روستاها پنهان شده بود، مورد تعرض و چپاول قرار می‌گرفت. چنانکه گزارش‌های متعدد منابع حاکی است، در بیشتر مواقع سپاهیان عثمانی برای یافتن مواد غذایی و به دست آوردن ذخایر پنهانی، خانه‌ها را تخریب می‌کردند و حتی برای دست یافتن به انبارهای مخفی شده برخی را آزار و شکنجه می‌کردند (حسینی قمی، ۱۳۸۳: ۱ / ۳۲۷؛ منشی، ۱۳۷۷: ۱۱۷/۱). از سوی دیگر، برای تأمین علوفه حیوانات نیز درختان را معدوم کرده و از برگ، شاخه و پوست آنها خوراک چارپایان را تأمین می‌کردند (منجم، ۱۳۶۶: ۲۷). این اعمال به کرات در اقدامات سپاهیان به خصوص در شهرهای بزرگی مانند تبریز و ایروان گزارش شده است (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۷۱۸). شاید برای دریافت میزان خساراتی که از طریق انبوهی سپاهیان مهاجمان بر ذخایر غذایی منطقه وارد می‌شد ذکر تحلیل و ارزیابی نیازمندی‌های سپاه عثمانی - طبق آنچه شاه تهماسب برآورد کرده است -، در این خصوص خالی از لطف نباشد. او ضمن بیان تقریبی تعداد لشکریان، میزان مصارف غذایی آنها با چارپایان‌شان را با عدد و رقم ذکر می‌کند که به نظر می‌رسد برآورد دقیقی نیز باشد؛ و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که این تعداد نفرات نمی‌توانند آذوقه مورد نیاز خود را تأمین کنند (حسینی قمی، ۱۳۸۳: ۱ / ۳۲۶). هر چند گزارش‌های شاه تهماسب برای نتایج خاص خود و به کارگیری اعمال تدافعی آمده است، به این نکته نیز بایستی اشاره داشت که به هر روی، این تعداد سپاهیان و چارپایان در چندین مرحله از مناطق مختلفی از غرب و شمال غرب ایران عبور کرده و حداقل بخشی از مصارف خود را بر شهرها و روستاهای این مناطق تحمیل کردند. در نقطه‌ی مقابل و در مناطق شرقی نیز به نظر می‌رسد شرایط خراسان و ازبکان از این نظر وخامت بیشتری داشت؛ زیرا عثمانی‌ها به دلیل انضباط نظامی دست‌کم بخشی از نیازهای تدارکاتی‌شان را با خود حمل می‌کردند. در هر صورت فشار ناشی از تعداد انبوه سپاهیان مهاجم یکی دیگر از بلایایی بود که منابع و تولیدات شهری و روستایی را به صورت مستقیم تحت تأثیر قرار می‌داد؛ و ضمن وارد آوردن خسارات فراوان، به تهی شدن منابع غذایی این مناطق منجر می‌شد که در نهایت پیامدهای وخامت‌بار انسانی را در پی داشت.

در کنار تأثیرگذاری عددی مهاجمان بر منابع تغذیه‌ای مناطق در معرض جنگ، از این نکته نیز نباید غفلت کرد که سویه دیگر این روند نیز در نوع خود آسیب‌هایی را به مناطق ذکر شده وارد می‌ساخت. زیرا جمع‌آوری و گسیل داشتن مکرر سپاهیان داخلی برای مقابله با مهاجمان و بیرون راندن آنها خود شکل دیگری از فشار غذایی را بر ساکنان این مناطق تحمیل می‌کرد. هر چند در بیشتر مواقع تعداد نظامیان صفوی در برخورد با عثمانی‌ها کمتر و محدودتر بوده است، همین تعداد که لاجرم به صورت مکرر انجام می‌شد، می‌بایست بخش عمده‌ای از آذوقه خود را در طول مسیر تأمین می‌کردند (فلور، ۱۳۸۸: ۳۲۹). در یکی از تهاجمات سلیمان به ایران،

تخریب سپاهیان عثمانی و سیاست معدوم‌سازی ذخایر غذایی در منطقه ارزنجان و ایروان به گونه‌ای بود که نظامیان برای تأمین مایحتاج خود در تنگنا قرار گرفتند. لاجرم شاه تهماسب مجبور شد افرادی را به منطقه‌ی شکی بفرستد و سربازان در آن ناحیه نزدیک به ۲۰۰۰۰۰ گوسفند، ۵۰۰۰۰ گاو و ۵۰۰۰ اسب به همراه ۳۰۰۰۰ خروار گندم به دست آورده و با سایر اجناس به اردوی شاهی آوردند (پارسادوست، ۱۳۸۱: ۱۹۳). همانطور که ملاجلال در هنگام محاصره قلعه ایروان توسط شاه عباس اشاره می‌کند: «اکثر درختان و باغستان‌ها ضایع شد؛ چه بعضی برای ساختن سیبه به کار رفته و اکثراً سوخته بودند» (منجم، ۱۳۶۶: ۲۶۵). اشاره مستقیم منابع به اینکه تنظیم اردوکشی‌ها در زمان آماده شدن محصولات کشاورزی انجام می‌شد، حاکی از اهمیت حیاتی تغذیه سپاهیان بوده است (منشی، ۱۳۷۷: ۲/۶۲۲). در عین اینکه منابع سعی دارند این باور را القا نمایند که شاهان در هنگام لشکرکشی‌ها بسیار مراقب بودند به مزارع مردم صدمه‌ای وارد نشود و با وجود گزارش منابع در تنبیه تعدادی از سپاهیان که از مزارع مردم استفاده کرده بودند (دلواله، ۱۳۸۰: ۱/۷۷۸)، به رغم این مراقبت‌ها، قطعاً بی‌انضباطی‌هایی در این خصوص صورت می‌گرفت. وقتی در زمان شاه عباس گزارش مستقیم این تخطی‌ها به چشم می‌خورد، به طور یقین در مراحلی که شاهان ضعیفی حاکم بودند این شرایط از وخامت بیشتری برخوردار بوده است.

نتیجه‌گیری

بدون تردید پی‌آمد وقوع جنگ‌ها آسیب‌های زیادی را برای جنبه‌های مختلف زیستی انسان به همراه دارد. بخشی از این صدمات خسارات جانی و بخش دیگری از ابعاد اقتصادی برخوردار است. در کنار این خسارات از بعد دیگری نیز می‌توان به آسیب‌های مرتبط با جنگ توجه کرد. ابعاد و آثار زیان‌بار زیست محیطی جنگ به صورت مستقیم و غیر مستقیم با دو عامل پیش گفته ارتباط می‌یابد. اقدامات خودخواسته و یا ناخواسته‌ی مهاجمان و مدافعان به شکل بدهی بسیاری از عرصه‌های زیست محیطی را تحت تأثیر پیامدهای مخرب خود قرار می‌دهد. بر همین اساس، در دوره‌ی صفویه نیز که یکی از شاخصه‌های مهم آن بروز جنگ‌های پر دامنه و فراگیر بود، خالی از این آسیب‌ها و صدمات زیست محیطی به نظر نمی‌رسد. حجم انبوه نیروهای نظامی که در عرصه‌های داخلی و مرزی در مراحل مختلف جابجا می‌شدند، در کنار عواملی چون سیاست‌های تهاجمی دشمنان و سیاست‌های خاص دفاعی صفویان، در کنار تلفات سنگین انسانی و خسارات مالی، تخریب‌های محسوسی را متوجه عناصر محیطی نمود. در این درگیری‌ها به کرات منابع تغذیه انسانی - به عمد و یا به سهو -، تخریب و سوزانده شدند. همچنین سیاست کلی صفویان در اجرای سیاست زمین سوخته باعث شد تا بسیاری از منابع آبی، جنگل‌ها و مراتع به تکرار تخریب و ویران شوند. این ویرانی‌ها در مرزهای غربی بیشتر مشهود بود. همچنین مهاجمان عثمانی و ازبک نیز برای صدمه زدن به صفویان و وادار کردن آنها به تسلیم، به صورت گسترده منابع تغذیه‌ی انسانی و سایر منابع سرزمینی را تخریب و امنهدام کردند. بر این اساس و مطابق آنچه در متن بررسی شد، می‌توان به این باور رسید که در جنگ‌های گسترده‌ی دوره صفویه بسیاری از عرصه‌های زیستی جغرافیای ایران در معرض انهدام و نابودی قرار گرفت؛ به گونه‌ای که ترمیم این آسیب‌ها گاه غیر ممکن می‌شد یا دیر زمانی طول می‌کشید.

منابع

- اوزون چارشلی، اسماعیل حقی (۱۳۷۰). تاریخ عثمانی، ج ۲، ترجمه وهاب ولی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- پارسادوست، منوچهر (۱۳۸۱). شاه اسماعیل اول، تهران: شرکت سهامی انتشار، چ دوم.
- پارسادوست، منوچهر (۱۳۸۱). شاه اسماعیل دوم و شاه محمدخدا بنده، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- پارسا دوست، منوچهر (۱۳۸۱). شاه تهماسب اول، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.
- پورگشتال، هامر (۱۳۸۷). تاریخ امپراطوری عثمانی، ترجمه، میرزازکی علی آبادی، ج ۲، به کوشش جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- حسینی قمی، قاضی احمد (۱۳۸۳). خلاصه التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- خواند میر، امیر محمود (۱۳۷۰) ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه تهماسب صفوی، تصحیح غلامرضا طباطبایی، تهران: موقوفات افشار.
- خواند میر، غیاث الدین حسینی (۱۳۶۲). تاریخ حبیب السیر، به کوشش دبیر سیاقی، تهران: خیام، چاپ سوم.
- دالساندری، وینچنتو؛ زنو، کاترین (۱۳۸۱). سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیریان، تهران: خوارزمی، چاپ دوم.
- دلاواله، پیتر (۱۳۸۰). سفرنامه، ج ۲، ترجمه محمود به‌فروزی، تهران: قطره.
- روملو، حسن بیک (۱۳۸۴). احسن التواریخ، ج ۳، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: اساطیر.
- شاردن، جان (۱۳۷۲). سفرنامه، ج ۵، تصحیح اقبال یغمایی، تهران: توس.
- شاو، استانفورد جی (۱۳۷۰). تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ج ۲، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- صالحی، نصرالله (۱۳۸۸). « لشکرکشی سلطان مراد چهارم به ایروان و تبریز»، فصلنامه ایران و اسلام، سال ۱۹، شماره ۱، پیاپی، ۷۵، (۱۰۶-۷۷).
- عالم آرای شاه تهماسب (۱۳۷۰). به کوشش ایرج افشار، تهران: دنیای کتاب.
- فلور، ویلم (۱۳۸۸). دیوان و قشون در عصر صفوی، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: آگه.
- الحسینی، خورشاه بن قباد (۱۳۷۹). تاریخ ایلچی نظام شاه، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- منجم، ملاجلال الدین (۱۳۶۶). تاریخ عباسی، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران: وحید.
- منشی، اسکندربیگ (۱۳۷۷)، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۳، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- واله اصفهانی، محمد یوسف (۱۳۸۲)، ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم، به کوشش محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- واله اصفهانی، محمد یوسف (۱۳۷۲). خلد برین، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: موقوفات افشار.